

عبدالرฟیع حقیقت (وفیع)

نهضت‌های ملی ایران

(۱۱۰)

نظام الملک طوسی یامغز متفکر دولت سلجوقیان

چون پادشاهان سلجوقی برای اداره سرزمینهای بزرگ متمدن که تسخیر کرده بودند فاقد تجربه لازم بودند. به ناجار دستگاه اداری و مالی دولت خویش را به یاری مأمورانی که بیشتر آنها ایرانی بوده و برائیر سقوط دولتهای غزنویان و آل بویه (دیلمیان) بیکار شده بودند سر و سامان دادند.

برخی از مأموران عالی مقام و روحاًنیون بلند پایه ایرانی به سرعت با سلطنت سلجوقیان همرنگ و هم‌آهنگ شدند.

گذشته از آن چون اعیان نظامی غر پس از گرفتن سرزمینهایی به رسم اقطاع. تمایلات گریز از مرکز نشان دادند، پادشاهان سلجوقی به مأموران عالی رتبه ایرانی که با دستگاه حکومت مرکزی پیوستگی داشته و به وجود حکومت مقدر پادشاهی علاوه داشتند تکیه کردند.

در میان مأموران عالی مقام ایرانی جالب توجه‌ترین شخص ابوعلی حسن طوسی ملقب به نظام‌الملک وزیر مشهور آل ارسلان و ملکشاه بود.

وی الهام بخششده سیاست خارجی آل ارسلان و ملکشاه سلجوقی و در عین حال سازمان دهنده دستگاه اداری و کشوری و مالی آن دولت بود.

برای قضاوت جوانب سیاست او کتاب (سیاست‌نامه) که تألیف آن بوی نسبت داده میشود و اجد اهمیت خاص می‌باشد.

ابوعلی حسن بن اسحق طوسی معروف به خواجه نظام‌الملک در سال ۴۰۸ هجری در طوس متولد شد پدرش ازدهقان‌های طوس بود. هنوز شیرخواره بود که مادرش درگذشت و در همین احوال پدرش بسبب خسارت‌های مالی دچار تنگی می‌عیشت گشت. اما وی با وجود این وضع نامساعد بتحصیل علوم پرداخت، زبان تازی را فراگرفت و فقه و حدیث آموخت و سرانجام در شهر بلخ به دبیری علی بن شادان که از طرف چغیز بیک، پدر آل‌بارسلان بحکومت آن شهر منصوب شده بود اشتغال یافت. چغیز بیک پدر آل‌بارسلان، در وقت مرگ نظام‌الملک را به شاهزاده جوان سپرد و بدین ترتیب وی وزیر و راهنمای آل‌بارسلان شد واز آن پس که آل‌بارسلان برای که سلطنت سلجوقیان مقام گرفت، وی بزرگترین وزیر آن خاندان بشمار آمد و در سراسر قلمرو حکومت سلجوقی زمام امور بدمست او افتاد.

نظام‌الملک در اداره امور توانائی بی‌حد از خود نشان داد. وی در کشور-

داری بسیار هوشمند و دقیق بود. به مذهب تسنن اعتقاد کامل و راسخ داشت^(۱) متأسفانه به همین علت و علل دیگر سیاسی که در ورق‌های آینده ابن تألیف به شرح آن خواهیم پرداخت. با شیعیان و اسماعیلیان و بطور کلی بیرون جنبش‌های فکری ایرانیان (باطنیان) با خشونت و شدت عمل تمام رفتار میکرد. و

۱ - تعصب شدید نظام‌الملک به مذهب تسنن و مخالفت وی با جنبش‌های فکری و سیاسی ایرانیان در ترتیه‌ای اولیه اسلامی از نوشت‌های غرض‌آلود او در کتاب سیاست-نامه بطور واضح و کامل نمودار است.

همین امر موجبات رنجش خاطر و نارضائی وطن پرستان پرشور ایرانی را که از بدرو تسلط تازیان بر ایران در مقابله با حکومت بیگانان کوشیده و همواره بفکر سرنگون کردن خلافت نکبت بار عباسیان بودند، فراهم کرد. بطوریکه خواهیم دید در تمام مدت وزارت وی مبارزات شدیدی بین سازمان مشکل باطنیان در ایران و عمل دولت سلجوقیان که در رأس آنها نظام الملک قرار داشت بطور بسیار حیرت آوری در جریان بود.

در مقابل این عقیده و رفتار ضد ملی، نظام الملک بدانش و علم بسیار توجه داشت و بزرگان علم و دین را تجلیل و تکریم می‌کرد. پس از آنکه به مقام وزارت رسید، نخستین کارش تاسیس نظامیه بغداد و تأمین مخارج آن بود. بنای این مدرسه عالی در سال ۴۵۸ هجری آغاز شد و سال ۴۶۰ پایان یافت و بعدها بعضی از بزرگترین دانشمندان عصر در آنجا بتدریس و تعلیم پرداختند. از جمله این بزرگان یکی استاد دانشمند و میرزادرالهیات ابوحامد محمد غزالی است، که سیوطی درباره‌اش چنین گفته است:

(اگر ممکن بود که پس از محمد (ص) پیغمبری بباید، بی‌شک آن کس غزالی می‌بود) . (۲)

(غزالی از سال ۴۸۴ تا ۴۸۸ در نظامیه بغداد بتدریس اشتعال داشت) دیگری شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی شاعر بزرگ زبان فارسی در رشته ادبیات است. نظام الملک در سراسر مدت حکومت ملکشاه سلجوقی با آنکه در او اخر نزدیک هشتاد سال از عمرش میگذشت؛ همواره ملازم خدمت پادشاه

۲ - تاریخ ادبیات ایران تألیف پرسفسور ادوارد براون جلد دوم ترجمه قفتح اللہ

جوان بود و او را در کارها هدایت و ارشاد مینمود ، وی اوقات فراغت را صرف رسیدگی با مأمور مدرسه‌هایی که در بغداد و اصفهان و نیشابور بنیان نهاده بود میکرد .

با استادان و مدرسان بگفتگو می‌پرداخت و همیشه آنان را با اکرام بسیار نزد خویش می‌پذیرفت و به تالیف کتابی در آئین ملکداری و تاریخ آن که بدرخواست ملکشاه آغاز نهاده بود اشتغال می‌ورزید (متاسفانه همانطور که در پیش نوشته شد ، این کتاب که نام آن سیاست‌نامه است و گاه سیر الملاوک نیز خوانده میشود حاوی مطالبی بینهایت مغرضانه و غیرقابل قبول درباره عقاید و رفتار وطن پرستان پژوه ایرانی است که در قرن‌های اولیه اسلامی برای کسب استقلال ملی ناگزیر تحت عنوانهای مختلف فکری و سیاسی بوجود آمده بودند) .

جنبیش اسماععیلیه و فعالیت آشکار آنان در ایران

دروق‌های گذشته این تالیف راجع به اصل و منشأ اسماععیلیان و نیز فروع و شاخه‌های بلا واسطه یا اولیه آنان سخن رفت .

بطوریکه خواهیم دید در این دوره و نیز در اثناء دو قرن بعد اسماععیلیان نقش‌های مهمی در صحنه شرق نزدیک و ایران بازی کردند . باید دانست که اهمیت سیاسی و همچنین فعالیت آشکار این گروه عظیم از زمان تأسیس سلسله فاطمیان در مصر شروع میشود ، که مدعی بودند از نسل فاطمه دختر محمد (ص) پیغمبر اسلام می‌باشند ، و بهمین جهت هم فاطمی یا علوی بآنان اطلاق میشد . ولی مخالفان آنها را باطنیه یا ملاحده خوانند و تا حد امکان به سرکوبی آنان مبادرت ورزیدند .

بطوریکه میدانیم (۱) هدف نهائی سازمان مخفی باطنیان در قلمرو

۱ - در این مورد دجوع شود به تاریخ نهضتهای ایرانیان تألیف نگارنده .

کشورهای اسلامی مبارزه با شیوه فک متعصب عربیت (تسن) و کسب استقلال فکری و سیاسی و ملی بوده است. بهمین جهت کایه فعالیتهاج نظامی یا عقیدتی آنان به منظور سست کردن پایه‌های حکومت نکبت‌بار عباسیان و در نتیجه سقوط و انقراض و اضمحلال آن انجام گرفته است.

هم‌طورکه در ورق‌های گذشته توشه شد خلافت عباسیان در طی قرن چهارم آهسته‌آهسته استیلای خود را در دنیای اسلامی از دست داد. در اواسط این قرن قدرت و سلطه آن تقریباً بر چیده شده بود و فقط بعنوان یک مرجع بزرگ‌گشته مذهبی شناخته می‌شد.

در ایران چند سلسله کوتاه قد برافراشتند که قدرتهای آنها بیشتر قدرت نظامی بود این سلسله‌ها برای اینکه در میان مردم متعصب اهل تسن حقانیت شرعی پیدا کنند. تفوق و سیادت دربار خلافت را به رسمیت می‌شناختند.

هنگامی که قدرت خلافت بدین طریق رو به زوال میرفت، شیعیان فرصتی برای تحقق بخشیدن به آرمانهای خود یافتند، زیدی‌ها که دسته‌ای از شیعیان پیرو امامان بعد از علی بن ابیطالب (ع) و زید بن علی بن حسین (ع) بودند بر نواحی کوهستانی جنوب دریای خزر (گرجستان و طبرستان و گیلان) و انتهای جنوبی عربستان یعنی یمن (که هنوز هم شیعه نشین است) استیلا یافتند. در میان آن دسته از فرقه‌های شیعه که تا امام جعفر صادق (ع) امامان مخصوص داشتند، اثنی عشریان یادوازده امامیان بودند، که رقیب بزرگ اسماعیلیان محسوب می‌شدند. اینان را از آن جهت دوازده امامی نامیدند که به دوازده امام قائل بودند، چنانکه دیدیم برخی از زمامدارانی که بر فراز خرابه‌های قدرت خلافت (علی) علم استقلال افراشتند، شیعی مذهب بودند. اما بخاطر مصلحت عمومی و جلب نظر

رعایای سنی مذهب خود . حتی در آن هنگام که میتوانستند بغداد را جزو متصرفات خویش بشمار آورند و بساط خلافت عباسیان را درهم نوردند همچنان بسیادت کاذب در بار خلافت سر فرود می آوردند . حقیقت امر این است که آنها اگر میخواستند خلافت عباسی را ساقط کنند ، از آل علی کسی را نمیشناختند و نداشتند که بخلافت برگزینند . زیرا امام دوازدهم آنان ، غیبت اختیار کرده بود و تا آخرجهان بازنمیگشت . بهمین جهت شیعیان دوازده امامی هیچگاه حکومتی که فرمانروای آن شخص امام باشد تشکیل ندادند . در این میان برخلاف دوازده امامیان ، اسماعیلیان برای آنکه قدرت خلافت را برای آل علی به چنگ آورند ، نهضت عظیمی بوجود آورند . با توطئه و شورش همه - جانبه‌ای که ظاهرآ روستائیان قبائل بدی و بزرگان کشوری پشتیبان آن بودند ، بر ضد در بار خلافت و ترکیب اهل سنت که در پناه دستگاه خلافت عباسیان تکامل مییافت ، بیزان برخاستند . دعوت برای بیعت با امامانی که از نسل اسماعیل پسر امام جعفر صادق (ص) بودند ، اسماعیلی نامیده میشد . داعیان سیار اسماعیلی بمنظور نشر دعوت خود از هر طرف برخاستند . اینان از یک ستاد فرماندهی مخفی برای حمله عمومی به دستگاه خلافت بغداد و بزمادرانی که بظاهر و بطور نظری سیادت آنان را بر سمت شناخته بودند و هبری میشدند . مفهوم دعوت اسماعیلی برای اقوم بیابان گرد ، غارت دست‌جمعی ، دوستداری شیعه و استقلال قبیله و برای مردم شهر نشین نوبدهای همیشگی مذهب شیعه ، یعنی گستراندن عدل و داد ، وازمیان بردن منافقان و سلاله‌های غاصب بود . همه در آرزوی آمدن یک مهدی بسرمیردند . زیرا تنها وقتی پادشاه موعودی که میباشد از جانب خداوند باید ، می‌آمد . دنیا که اینک پراز کفر و گناه بود ،

پراز عدل و داد می‌شد.

مهدی شیعه اثنی عشری . امام دوازدهم آنان بود ، که انتظار بازگشتش را داشتند . داعیان اسماعیلی به مردم اطمینان میدادند که مهدی موعود ، یکی از اخلاف اسماعیل خواهد بود ، که اینک در خفا سرمیرد . اما بزودی زود - بافتی و پیروزی در عالم ظاهر خواهد شد . اکنون میبایست در حال تقيه بسر بربرند و دوستی و بیعت خود را نسبت به امامان موعود از حکمرانان زمان پیوشنند ، تا مباداً تعصب وجفای مردم نادان اثر آنها را از سطح زمین برچیند ، و در ضمن هر وقت که لازم باشد امام را به پول و سلاح یاری کنند . اما وقتی مهدی موعود ظهرور کند و عدل و داد بر جهان حکمران شود ، مؤمنان آزادند که خود را وابسته و دوستدار خاندان پیغمبر (ص) اعلام دارند .

همانطور که در ورقه‌ای پیش نوشته‌ی نخستین کسانی که در این تاریخ نامشان بگوش خورده‌اند بیابان نوری بودند که میان سوریه و عراق رفت و آمد می‌کردند و عموماً قرمطی نامیده می‌شدند اینان در قرن سوم هجری باشور و حرارتی بی‌حد و حصر با قوای خلیفه عباسی وارد جنگ شدند . پس از سال‌ها نبرد ، سرانجام شکست خورند ، و بسیاری از آنان کشته شدند . اما در همان ایام نهضت اسماعیلی در بحرین انتشار یافت و قدرت بدست عده‌ای افتاد که آنان نیز خود را قرمطی نامیدند . جنبش اسماعیلی در ایران ، در یمن (که شیعیان زیادی هم در آن فعالیت داشتند) و در سمت مغرب در افریقای شمالی بسط یافت . در افریقا ، امام موعود اسماعیلی بشخصه از پرده خفا بیرون آمد ، و نیروی عظیمی را بنیاد نهاد بطوریکه اخلاص در طی کمتر از یک قرن مصر را فتح کردند و شهر پهناور ومصفای قاهره را برای نشان دادن عظمت و شوکت خود بنایگذشتند . سلسله اسماعیلی مصر نسبت به بازارگانان و سوداگران نیکخواه بودند و با فکار و عقاید مختلف با بلند نظری و اغماض می‌نگریستند .

نفوذ و سلطه آنان از آتلانتیک تا مرازهای عراق ، و در دریا از سیسیل تا سند
عگسترد بود . (۱)

سلسله هراتب اسماعیلی

خلفای فاطمی مصر و رهبران فکری آن دولت به موازات سازمان
وسعی واستوار خویش ، سلسله مراثی از درجات برای پیروان خود که بطور
نهانی در کشورهای اسلامی مشغول فعالیت بودند ، بدین شرح تنظیم کرده بودند :

- ۱ - مستحب (به معنی پذیرنده) یعنی نازه واردی که هنوز چیزی از اصول
باطنی نمیداند .

۲ - مأدون (کسی که مجاز است) اصول باطنی را که به وی گفته شده
مطالعه کند .

۳ - داعی (مبلغ ، دعوت کننده) این سخن اصول باطنی را که بوی گفته شده
مطالعه کرده است . (داعیان در رأس سازمانهای محلی فرقه اسماعیلی قرار داشتند).

- ۴ - حجت (دلیل ، اثبات مدعای علی الرسم در رأس شبکه سازمانهای
یک ناحیه مثل خراسان قرار داشته .

بدین طریق چون امام و صامت و ناطق را هم بحساب آوریم هفت درجه
بدست میآید . افراد عامه مؤمنان طبق معمول بالاتر از درجه اول و بطور ندرت
بدرجه دوم ارتقاء نمی یافتد . اعضاء فرقه که بدرجه سوم و چهارم نایل می‌آمدند
سران برگزیده و خواص اسماعیلیه را تشکیل میدادند ، ولی بدیهی است که
برای ایشان نیز راه وصول به سه درجه بالاتر یعنی امام و صامت و ناطق مسدود
بود . بدین ترتیب معلوم می‌شود که نظمات شدیدی در این فرقه حکم‌فرما بوده
است .

(بقیه در شماره آینده)